

نگارش داکتر میز را

نظام اداری سوریها

شیر شاه و جانشینان او

ترجمه رضوی غزنوی

تشکیلات اداری

تشکیلات کوچک کوچکترین واحد اداری، قریه بود که بنام موضع یاد میشد (۱) در عصر سوری مانند پیش و پس از آن، موضع شکل عنعنوی اداره را داشت که امور آن توسط مقدم ها و پتواری ها بمشورۀ قونسل قریه با پانچایات اداره میشد. مقدم یا مخیه سرشناس قریه خود و مسؤول امور آن در نزد مقامات عالیه بود (۲). همچنان هر قریه نوبسنده بنام راقمی داشت که حیثیت مقام مرکزی با صلاحیت را دارا و از قریه و واقعات قابل ذکر و وضع زراعت آن آگاه بود. غالباً «مقدم» خود شخصاً از این وظیفه را انجام میداد (۳).

قریه ها به پرکنه ها دسته بندی شده بودند. پرکنه هم مانند قریه يك واحد معین عنعنوی و باستانی است. ریشه آن به کنه که يك واحد اداری نظامی است و یسانها کهوری شد میرسد (۴). پرکنه به حیث واحد کشوری در طول دوره سلطنت، گرچه به نام های مختلف ادامه یافت.

- (۱) نگاه کنید به (فرمان) شیر شاه که قریه را بنام موضع خوانده است.
(۲) به مجله آرنتیل کالج شماره می ۱۹۳۳ ص ۱۲۵ مراجعه شود و همچنان میتوان به کتاب حکومت ایالتی مغولها ص ۲۲۹-۲۶۷ رجوع کرد.
(۳) «دولت» فرمان پنجم دیده شود.
(۴) ص ۵۳-۵۴ تاریخ اقتصاد هند قدیم تألیف داکتر پرانات

۱ بن بطوله از صدی که مشتمل بر صد قریه بوده است ذکر میکنند .

داکتر قریشی صدی «هند پات» را با «اند ر پات» یکی میداند (۱) .

بنا بر آن برای فرمانفرمایان مسلمان ممکن نبود که در تشکیل و یا

تعدیل این بخشهای فرعی دخالت کنند . آنان به این تبدیل بی ثمر علاقه

نداشتند و نه درباره آن چیزی میدانستند .

بهمین دلیل در میان گانای هند و ویرگنه اکبر هیچ تعدیل مهمی

واقع نشد و آن تقریباً عین سرحدات و وسعت را داشت (۲) حتی امروز هم

ویرگنه واحد اساسی اداری را در هند شمالی و مرکزی تشکیل میدهد .

اداره‌های مرکزی ویرگنه، قصبه یا بزرگترین محل دادوستدهائی بود

که گاهی شهر کوچک روستایی بشمار میرفت . مور لندیر ویرگنه را با قصبه در

معنی کهن تر آنها تطبیق میکنند و عبارت از مجموعه قریه های بهم پیوسته میداند

(۳) احتمال می رود اداره مرکزی در حالی به وجود آمد که واحد

مذکور تسمیه قدیمش یعنی ویرگنه را نیز نگه داشت .

تخمین های گوناگون و قایح تکا ران در باره تعداد ویرگنه های عصر

امپراتوری شیر شاه موجب ابهام گردیده است . عباس سروانی گوید که مملکت

شیر شاه در کشور هند (۱۱۳۰۰۰) ویرگنه بود که وی در آن شقدارها را

فرستاد (۴) . عبدالله عین همیین عدم در آن می نویسد که ما آنرا بزمین خالصه

شیر شاه منحصر میدانند و می افزایند که در ویرگنه ها به همین تعداد

داسپ سوار، برای مراقبت قانون و احکام نگهداری میشد . رزاق الله

مشتاقی عدد (۱۳۰۰۰) را عاقلانه تر میداند (۵) حقیقت قابل توجه اینست

که شماره این ویرگنه ها ربطی به ادارات ملکی که نویسنده شرح میدهد

ندارد بلکه مربوط به دسته بندیهای عسکری در تمام مملکت است .

(۱) داکتر قریشی: طرز اداره سلطنت دهلی چاپ لاهور سال ۱۹۴۴

(۲) تاریخ اقتصادی هند قدیم ص ۵۵، ۵۶

(۳) مورلند: سیستم ملکی مسلمانان هند ص ۱۸، ۱۹ چاپ کمبریج سال ۱۹۲۹

(۴) تاریخ شیر شاه می نسخه الله آباد ص ۳۲۱

(۵) تاریخ دای و دی نسخه علیگر ص ۱۱۷

ثنا قضا بن گفتار خود به خود ظاهر است. مشتمل است
لهمید که عباس پر گنه را با قریبه یکی بداند. از بیان عبد الله
بر مییاید که در هر ساحه فقط يك سوار بود که بسایله
پنج نفر مأمور ملی کنترول میشده است. تنها بیان رزاق الله عدد اضافی
را به صد هزار بلند می برد.

چنین مینماید که قریبه در تفسیر عبارت موقع خاصی دارد. این تصور
در هر حال پیش مییاید مخصوصاً وقتیکه مولف با دسته بندی و حمل و نقل
قطعات عسکری سروکار دارد چنانکه ادرشقدار را افر نظامی تابع میداند
نه مأمور ملی. مطابق دو نسخه تاریخ داودی که طرف مراجعه اکثر بیانی
قرار گرفته عدد (۱۱۳۰۰۰) بجای آنکه به پر گنه را جمع باشد، شماره
سوارهای زمین خالصه را بیان میکنند (۱) در نسخه مسلم بن یورستی که مورد
استناد نویسنده این مقاله بوده بیان مشابهی بنظر میرسد. اگر چه بیشتر
به پر گنه هم مراجعتی شده است. همین یگانه توضیحی است که امکان دارد
بحقیقت نزدیک باشد. این عدد ممکن نیست بتواند شماره مجموع قریبه ها
یا پر گنه هارا در امپراتوری تعیین کند.

چنین عددی میتواند با سادات آئین کبری محاسبه شود زیرا این
شعبات چنانکه قبلاً تذکر داده شد از عصر مغول ادامه دارد. همچنان
زمین خالصه که شامل صوبه های اکبری آکره، اوده، الله آباد، به علاوه
يك قسمت دهلی بود و ۲۶ سرکار و ۵۱۰ محل با پر گنه را با يك نیروی
(۷۷۱۱۰) سواره نظام، (۹۸۹۰۳۰) پیاده نظام و ۵۴۲ فیل در برداشت. (۲)

(۱) ترجمه آئین صفحات ۱۶۰، ۱۷۸، ۱۸۲ و ۲۸۴

(۲) نسخه تاریخ شبر شاه ص ۱۶۵

پس از پرگنه شعبه عالیتر سر کار بود. پیش از سلطنت شیرشاه تذکری از این واحدها نمیباید اما چون بر اساس متنی استوار یافت بنا بر این شیرشاه وقتیکه به سلطنت رسید يك جنرال خود را بنام عیسی خان بحیث سر کار سمبال که ظاهر واحد مشاهیر و مهمی بود مقرر کرد (۱) داد کمتر قریبش عقیده دارد که این واحدها شکل تغییر یافته ایالتها و ولایات باشد که در قرن پانزدهم آنگاه که سلطنت به پادشاهی های مستقل تجزیه گشت واقع شد. (۲)

چنین مینماید که در زمان شیرشاه شعبه قدیم شق به سر کار تعدیل یافت و در سرزمین دو آب که میان گنده و مونا و اطراف آن واقع است با این نام شناخته شد در حالیکه شقدار بمعنای رسمی آن تنها حیثیت رئیس پرگنه را داشت.

تعیین تعداد سرکارها مشکل است. عباس تنها از سرکار سمباله و سرکارهای کالی و سرهندف که میکنند (۳) شاید سرکارهای اکبری با اسلاف آن یکی بود و در نه آنان این نام و ادوات اداری را به میراث نمی گرفتند. در هر حال مشکل است آنرا بطور قطع بیان داشت زیرا سرکارها همچون پرگنه واحدهای طبیعی نبودند.

مساحت يك سرکار در حد و دناحیه امروزی بود و بوسیله اداره مرکزی خود که غالباً يك شهر مهم می بود شهرت میگرفت. نه پرگنه تنها يك بخش مالیاتی بود و نه سرکار. بلکه هر دو واحدهای مالیاتی بشمار میرفت. مأمورین می توانستند قوانین وضع کنند، اوامر صادر نمایند تحقیقات قضایی را اداره کنند و بالاخره عواید ارضی را جمع نمایند.

(۱) ص ۳۵۲ کتاب بعضی از جنبه های اداره اسلام

(۲) نظام سلطنت دهلوی ص ۲۰۱ - ۳

(۳) تاریخ شیرشاهی نسخه الله آباد ص ۱۶۴، ۲۱۸

شعبات کوچک

مورخان و واقعه نگاران فهرستی را مربوط به مأمورین

ماهورین اداری اداری پرکنه در آثار خویش ضبط کرده اند که ذیلاً

بقل می شود. (۱)

(الف) مطابق چهار نسخه مختلف تاریخی که بقلم عباس نوشته شده :

شقدار، امین، فتحدار، قانونگو، کارکن ۲ نفر یکی فارسی نویسنده و دیگری هندی نویسنده

(ب) مطابق دو نسخه تاریخ داودی: شقدار، منصف، مشرف، خزا، انچی

کارکن (۲ نفر یکی هندی نویسنده و دیگری فارسی نویسنده)

(ج) مطابق دو نسخه واقعات مشتاقی: شقدار، منصف، خزاندار، منصف خزا، انچی

کارکن (۲ نفر یکی فارسی نویسنده و دیگری هندی در یک نسخه «واقعات»

فقط یک نفر کارکن ذکر شده (۲)

بدین ترتیب در پرکنه مأمورین آتی وجود داشت :

۱- شقدار: او رئیس اجرائیه بود.

۲- امین: این شخص را منصف یا مشرف نیز می خوانده اند.

۳- فتحدار: او را بنام خزانه دار یا خزانچی یاد می کردند.

۴- کارکن: کاتبی بود که بعضی از مؤرخان بنام نویسنده نیز یاد کرده اند.

این وظیفه را از آنرو دوتن بعهده داشتند که اسناد را برای سهولت

دهاقین و افغانها به دوزبان ضبط کنند. *کتابخانه ملی و موزه اسناد و مطابقت*

۵- قانونگو: این را تنها عباس ذکر می کند. حذف قانونگو از جانب

تاریخ نویسان دیگر، پیرارج و مهم است. محقق نیست که این شخص يك ما دور

دائمی پرکنه بود یا نماینده مردم؟ مشکلاست به بیان نسخه مشتاقی

در بریتش موزیم که گوید يك منصف خزانه در پرکنه رجود داشت

اعتماد کرد. وظایف او واضح نیست شاید مفتش خزائن بوده و اگر چنین

بوده باشد باید او را به يك واحد بلندتر از پرکنه متعلق دانست. (۳)

(۱) تاریخ شبرشاهی، شیرشاه، اداره سلطنت دهلی و غیره (۲) تاریخ داودی و اداره سلطنت دهلی

(۳) رجوع شود به «مأمورین پرکنه در عصر اکبر» بقلم دکتر قریشی و مجله فرهنگ

اسلام جنوری ۱۹۴۲ ص ۸۸-۹

وظایف

وظایف این مأمورین را از تذکراتی که

در بیان بعضی واقعات بصورت تصادفی

داده شده میتوان کرد آورد. شقدار - به کسر اول - افسر مهم اجرائیه بود که

مسئولیت تهیه قانون و اعطای امر را داشت. در اینصورت لغت شقدار معنای

کرد مسئول را برای شق با شعبه در پرکنه میرساند. از این شخص میخواستند

عطا بایی را که از امپرا تور ارسال میشد بنام گیرندگان وجه پیر دازد.

او همچنان مقدم را بنا بر وقوع قضایای راهزنی و سایر آشوبها مورد تو بیخ

و باز پرس قرار میداد (۱) او رئیس بوالیس امنیه و تنبیه و مراقب رفا.

و آرامش آن بود. و کذا عایداتی را که توسط امین تعیین شده بود

جمع میکرد. (۲)

شقدار بحیث رئیس برکنه - و داشتن تقریباً قوای مساوی - از زمان اکبر

ادامه داشت. او تمام اعمال کزار نیز شمرت داشت. این شخص بحیث شقدار

رئیس اجرائیه بود در حالیکه بحیث اعمال کزار مسئول جمع آوری سادات

شمرده میشد و افسر خزانه هم بود آئین بیانات جمعی در باره وظایف او

میدهد. این وظایف ظاهراً خلاصه تعلیماتی بود که بحیث رئیس عایدات

اجرائیه باید آنرا تطبیق میکرد (۳).

ماموری همانند این افسر در عهد شیر شاه نیز وجود داشت.

امین، منصف یا مشرف، اساساً افسر قضائی بود در روزگار مغول اختلافی

(۱) تاریخ شیر شاهی ص ۲۲۹ - ۳۰۳ و ص ۱۲۴

(۲) عباس از وجود یک نفر «شحنه» نیز بحث میکند و عبدالله او را شقدار مینامد.

این شخص را میتوان بنام سرایدار یا نگهبان کاروان سرای یاد کرد (رجوع شود به نسخ
تاریخ شیرشاهی و تاریخ داودی) مفتش بازار را نیز شحنه مینخواندند - مرآة جمعه فر ما بز.

به منتخب التواریخ ص ۴۱۸ ج ۱ - بدین ترتیب شقدار حافظ برکنه بود.

(۳) آئین اکبری ص ۲۸۵ جلد ۱ - و ص ۴۳ ترجمه آن

در وظائف دفتري وجود داشت. يك امين مربوط ب اداره عدای بود و دیگری به شعبه داغ و سومی بحیث مشاهده بازار باداروغه کار میکرد. امین ها به بازار گوهر فروشی 'ظرف فروشی و اداره صندوقخانه ارتباط داشتند و بالاخر يك نفر امین برای گردآوری عایدات وجود داشت (۱). در دوره شیرشاه دهقانهایی که از اثر عبور دسته های عسکری (۲) بر زمین های ایشان زیان میدیدند امین مبلغی را که برسم جبران خسارات بدانها داده میشد میسپهید. اسلام شاه برای هر يك از امرا يك منصف مقرر میکرد (۳) شیر شاه منصف ها را به شهرهای سرحدی مقرر میکرد تا اسپهرا در وجه بندی کنند (۴).

بنابراین وظائف امین همانهایی بود که وجه تسمیه این کلمه آنرا در بر دارد: بحیث منصف، او يك قاضی بود، بحیث امین، نگهدار امانت و بحیث مشرف، مفتش معمولاً او هر سه وظیفه را بهم میامیخت و بنام های مختلف شهرت داشت. به حیث مفتش قضایی در اداره داغ، بازارها و ایفای وظائف دیگری که لازم بود از طرف وی مداخله بعمل آید و همچنین در قسمت امور نیمه تمام و اعمال غیر قانونی که باید جلو گیری شود، کار میکرد. بحیث آمر تحقق او باید بدزستی تعیین کند که زارع مطابق ایجاب روشی که برای تثبیت عواید پذیرفته شده، چه مقدار یا مبلغ به دولت بپردازد. و او باید متوجه زارع باشد تا حاصل نسبه خوبتر بر دارد. (۵).

کار امین در قسمت امور عایداتی، چنانکه بیان شد، خالصاً قضائی و عدلی بود. و چنین مینماید که او بحیث يك افسر سیار شخصاً بهر قریه میرفت

(۱) س ۷۱ : فرهنگ قاضی ص ۷۱ - ۴

(۲) تاریخ شیرشاهی ص ۲۲۷

(۳) تاریخ داودی ص ۱۵۰

(۴) تاریخ داودی ص ۱۱۸ و واقعات مشتاقی ص ۵۵۱

(۵) دولت : فرمان پنجم

و جزئیات پرداخت عوائد را مستقیماً با دها قین حل میکرد. هیأت تحت اثر
امین وقانو نگو - که در قسمت عواید محل متخصص بود - با وی همکاری
میکردند. سهمی که از طرف امین برای دولت معین میشد
با طریقه تعیین و صورت پرداخت مالیه بدقت توسط مقدم ها و نویسندگان
یاد داشت و در هنگام جمع آوری عواید به شدت تحمیل و تطبیق میشد.
در ساحه هایبی که نظام مالکزاری شایع بود وی مالیه را تعیین میکرد تا
مالکزار بتواند همان را از زارع تحصیل کند (۱) او نمیتوانست شخصاً
بر جمع عوائد نظارت کند زیرا این يك كار اجرائی بیرون از حوزه
وظیفه و قضاوت وی بود. این کار بوسیله اعضای هیأت تقدار به ترتیبی که
معین کرده بود اجرا میشد.

او بحیث امین با مضاف به دعوی مروط به عایدات رسیدگی میکرد
و امور متنازع فیه محلی را با اختیار کامل حل و فصل می نمود بحیث
افسری که تماس صمیمانه و آشنایی کامل با زارعین داشت از دعوی
آنان بمقامات بلندتر نمایندگان می کرد. رویهمرفته بنحوی که ذکر شد
وظایف امین آن بود تا منافع دولت را حفظ کند درحالیکه همواره خوشی
و رفاه رعایا را مد نظر میداشت. *

(۱) نخستین فرمان شیرشاه که بعنوان مأمورین حکومت صادر شد آنان را از فشار
آوردن بر رعایا جداً منع و تاکید کرد که از هر گونه اغوا و فریبکاری و مردم آزادی اجتناب
کنند و پول عامه را برای خدمات عامه به مصرف برسانند. به فرمان دولت از شماره اول تا
چهارم بنگرید.

ترجمان از خواننده ای که بخواند به منابعی که در زیر ورق های این مضمون ذکر شده مراجعه

کند خواهشمند است لطفاً نخست به ماخذ این ترجمه که شماره چهارم سال ۱۹۵۷

۱ - لا میک کلچر است رجوع نماید - دنباله در شماره آینده.